

بیانیه شماره 1

اسفند 1393

اعلام مواضع اعضای قدیمی و منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران

ما اعضای قدیمی سازمان مجاهدین خلق ایران امضاء کننده این بیانیه با بیش از سی سال سابقه مبارزاتی در تشکیلات سازمان در داخل و خارج کشور بدنبال مطالعه عینی و عملی شرایط میهن در زنجیر و سی سال شکست کلیه سیاستهای اتخاذ شده توسط رهبری آقای رجوی، و سرنوشت تشکلی که توسط او نابود شده است، دلایل جداییمان از تشکیلات سازمان مجاهدین خلق را بشرح ذیل اعلام میکنیم.

1. سرقت رهبری دمکراتیک سازمان توسط آقای مسعود رجوی و جانشین خود خوانده وی خانم مریم عضدانلو (رجوی) در تشکیلات.
2. عدم وجود سانترالیزم - دمکراتیک در مناسبات تشکیلاتی.
3. نبود هیچگونه روشهای انقلابی-دمکراتیک انتقاد از خود در رهبری و اصرار بر کلیه سیاستهای بغایت شکسته خورده و صد بار شکستشان به اثبات رسیده طی بیش از سه دهه گذشته.
4. انحراف و زیرپا گذاشتن اصول اولیه و بنیادین مردمی سازمان یعنی آگاهی، آزادی و برابری که تنها دلیل برای همه مجاهدین و نیروها و تشکلهای جهت گذشتن از همه چیزشان و پیوستنشان به این سازمان با تلاش و مبارزه، فداکاری، تحمل درد و شکنج و زندان و شهادت در این راه بوده است.
5. سقوط مناسبات از یک مناسبات مترقی انسانی به یک تشکل فرقه ای- مافیایی خطرناک یاهداف حفظ قدرت و مواضع تصمیم گیری به جای پذیرش اشتباهات و تصحیح آنها.
6. اتخاذ سیاستهای ضد مردمی، ضد انقلابی، ضد دمکراتیک و تروریستی بمنظور رسیدن به هدف و یاخوش خدمتی به این یا آن قدرت خارجی از جمله صدام حسین دیکتاتور مخلوع عراق، جهت جلب حمایت مادی آنان به بهای جان مجاهدین و مردم ایران از یک سو و سرکوب هرگونه انتقاد و مخالفت چه در درون تشکیلات و چه در مناسبات با متحدین سیاسی از جمله شورای ملی مقاومت بعنوان سیاستی ضد ملی و ضد دمکراتیک و برخلاف مصالح عالییه مردم ایران.
7. شکست مطلق سیاستهای استمالت و فریب دولتهای غربی توسط آقای رجوی طی بیش از سه دهه جهت پنهان کردن ماهیت تروریستی و دیکتاتوریش.
8. اتخاذ سیاستهای فرقه ای- فاشیستی از قبیل گرفتن امضاء، تعهد، اعتراف، فیلم و مدرک سازی تحت شرایط مختلف ارباب و سرکوب و فشارهای به غایت ضد انسانی علیه اعضای جان برکف جهت جلو گیری از ابراز هرگونه فکرو ایده جدید یا

مخالفت، دعوت به مسیر درست، انتقاد، اعتراض وحتى سؤال در مورد تناقضات آشکار و مسلم روزانه در تمامی عرصه های تشکیلاتی، سیاسی و ایدئولوژیک.

9. واگذار کردن آبرو و اعتبار سازمان مجاهدین و تمامی درد و رنج و خون شهدای مجاهد خلق بعلاوه تمامی تلاشها و اعتبار متحدین سیاسی به این یا آن سرویس اطلاعاتی بیگانه به منظور استمالت از آنها در مقابل پذیرش حضور رهبری سازمان در کشورهای مربوطه.

10. غلتیدن آقا و خانم رجوی به ورطه های به غایت ارتجاعی و واپسگرایانه امام زمان سازی، معصوم نمایی، علم غیب و خاصیت و توان شفابخشی داشتن و عاری از اشتباه و خطا بودن آنها در قرن بیست و یکم در تلاش برای فرار به جلو و به منظور لاپوشانی خیانت‌هایشان به آرمان مجاهدین.

11. در ادامه همین خیانت، سوء استفاده از زنان و آرمان آزادی و برابری زنان تحت نام انقلاب ایدئولوژیک بمنظور کودتا در تشکیلات و خلع ید یکشبه از مجاهدین با سابقه که به گفته شخص سارق رهبری، ظرفیت و جرأت مخالفت با سیاستهای ورشکسته وی را داشتند.

12. اتخاذ سیاست رسمی دروغگویی، بزرگنمایی، و وارونه نمایی جهت لاپوشانی شکستهای روزمره در تمامی زمینه های سیاسی، تشکیلاتی و ایدئولوژیک در درون تشکیلات و بخصوص فریب متحدین بیرونی سازمان با هدف از دست ندادن هژمونی کاذب خود.

13. اتخاذ سیاست رسمی و اعلام شده درونی سرکوب با مشت آهنین، دستگیری، زندان، شکنجه، و کشتن مخالفین درون تشکیلاتی توسط سارق رهبری.

14. راه اندازی دادگاههای خود ساخته و خود خوانده به منظور ارباب منتقدین و مخالفین درونی و توجیه اعمال ننگین خود با پیاده کردن سیاست سرکوب و تهدید علنی توسط شخص آقای رجوی به قتل و اعدام آنها علیه فرزندان برومند و مجاهدی که سالیان سال بعد از دست شستن از جان و مال و خانواده و هستی خود (بعضا ترک بهترین زندگیا، مدارج تحصیلی در اروپا و آمریکا و ایران و...) در سختترین شرایط ممکن، با تحمل موشک و گلوله باران و بمباران هوایی توسط رژیم ضد بشری... و دماهای 60 درجه فرا طاقت انسانی بیابانهای عراق جهت دفاع از آرمان خود و منافع مردمشان به تشکیلات پیوستند همان زمان که آقای رجوی و خانم مریم عضدانلو در لوکس ترین و راحت ترین امکانات که حتی بعضا در اروپا و آمریکا نیز همانند آن یافت نمی شود می زیستند.

15. راه اندازی جلسات فشار روانی ماهانه، و سپس هفتگی و در نهایت جلسات روزانه تفتیش عقاید و بطور خاص گرفتن اعترافهای اخلاقی و جنسی به منظور سرکوب مخالفت با کودتا تحت نام انقلاب ایدئولوژیک.

16. سیاست مجبور کردن «مجاهدین خطا کار» به گمان رجوی به خودکشی با سیانور.

17. محروم ساختن مجاهدین از دست یابی به هر گونه اطلاعات، کتب، نشریات آزاد و اخبار در خارج از تشیکلات و همچنین محرومیت از تمامی وسایل کسب اطلاع مانند تلفن و اینترنت، رادیو و تلویزیون، ماهواره ...

18. قطع ارتباط مجاهدین با اقوام، خانواده و حتی فرزندان به منظور ایزوله کردن مجاهدین و جلوگیری از رسیدن اطلاعات صحیح به آنها. محاکمه مجاهدین حتی در صورت فکر کردن به برقراری ارتباط با خانواده و اقوام و فرزندان و یا فکر دست یابی به کتب و نشریات آزاد.

19. اتخاذ سیاست ترساندن، تهدید، دستگیری، زندان‌های طویل‌المدت و سپس فروختن مجاهد مخالف به صدام بعد از سالیان زندان در درون تشیکلات و اعلام این سیاست به همه مجاهدین به منظور جلوگیری و عبرت بقیه مجاهدین از سرنوشت مجاهدینی که مخالف و یا منتقد بوده یا بدنبال کار ساز ندیدن انتقادات و خواسته‌ها، خواستار خروج از تشیکلات بوده اند جهت جلوگیری از رسیدن آنها به دنیای آزاد و افشای واقعیت‌های درون فرقه رجوی.

20. جراحی اجباری رحم زنان برای جلوگیری از هر گونه فکر کردن آنان به زندگی در آینده و بچه دار شدن و جلوگیری از فکرکردن زنان به دیگری به جز آقای رجوی تحت عنوان فریبنده مراحل رهایی زنان!.

21. اجبار مجاهدین ابتدا به قبول ذهنی همخوابگی زنان با آقای رجوی و سپس به همخوابگی عملی با وی با همکاری و مدیریت خانم مریم عضدانلو (رجوی) بمنظور هرچه وابسته ترکردن زنان مجاهد و جلوگیری از خروج و فرار آنان از سازمان.

22. فرار آقای مسعود رجوی و خانم مریم رجوی از جبهه بعنوان فرماندهان و رها کردن مجاهدین در اشرف تحت بیسابقه ترین فشارهای روانی، صنفی، پزشکی، امنیتی و نظامی با وجود امکانات بینهایت گسترده سازمان در امکان خارج کردن مجاهدین از عراق و از این شرایط.

23. نابودکردن همه امکانات موجود و یا فراهم آمده توسط مقامات یونامی در کمپ لیبرتی در بغداد از اینترنت، لپ‌تاپ، تلویزیون، تلفن، ماهواره، یخچال و دیگر امکانات رفاهی و ارتباطی در هر مجموعه شش نفره بعد از ورود گروه اول انتقالی از اشرف به لیبرتی به دستور آقای رجوی تا کسی نتواند به اخبار آزاد و اطلاعات غیر از دورغهای رجوی دسترسی پیدا کند.

24. حمایت و همکاری با داعش، سیاه‌ترین تروریسمی که تاریخ بشریت بخود دیده با امید اینکه از میان عناصر طرفدار صدام دیکتاتور مخلوع عراق به رهبری عزت ابراهیم که در صفوف این گروه مادون انسانی حضور دارند برای خود همدست و همیار دست و پا کند.

25. نفرت مردم ایران از آقای رجوی و دستگاه فرقه ای اش بدلیل سیاستها و اعمال تروریستی او درایران به علاوه سیاستهای او مبنی بر همکاری با صدام حسین و دادن اطلاعات جبهه های جنگ در زمان جنگ ایران و عراق به او و نیز ازدواجهای مکرر و برخلاف عرف اجتماعی مردم ایران که آقای رجوی برای خود در فرانسه در اوج اعدامها و شکنجه های مجاهدین در زندانهای ایران به راه

انداخت و بعد هم ازدواجها و طلاقهای اجباری داخل تشکیلات و جداسازی کودکان از پدران و مادران و فروپاشاندن خانواده ها تحت عنوان مراحل مختلف «انقلاب ایدئولوژیک» و در نتیجه همه این کارها و سیاستها از بین بردن پایگاه اجتماعی و مردمی سازمان مجاهدین خلق در داخل و خارج ایران.

26. سوء استفاده از هنرمندان مردم ایران در حالیکه همان موقع در دوران تشکیلات به شدت علیه این هنرمندان توسط شخص آقای مسعود رجوی بعنوان عناصر بورژوازی و مطرب سمپاشی میشد که مبادا هیچگونه رابطه انسانی بین مجاهدین و این هنرمندان که در قلب همه مردم ایران جای داشته و دارند ایجاد شود و جای رهبری تمامیت طلب را هرچند ناچیز تنگ کند.

27. سمپاشی توسط شخص آقای مسعود رجوی علیه تمامی اعضای شورای ملی مقاومت قبل از هر جلسه شورا در درون تشکیلات به عنوان «عمله بورژوازی» و «افراد یک لا قبا و مفتخور» باز بمنظور جلوگیری از الگوبرداری مجاهدین عضو شورا از بعضی مخالفتهای محدود اعضای شورا با سیاستهای آقای رجوی و همچنین جلوگیری از برقراری رابطه سمپاتیک مجاهدین با اعضای شورا.

28. ایجاد و نگهداری مجاهدین در سلول انفرادی از طریق زدن انگ و نامیدن هر تماس و دوستی و صحبت بین دو مجاهد خلق بعنوان «شعبه سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات رژیم»! در داخل سازمان! آنها نه تنها بین مجاهدین منتقد و مخالف بلکه حتی بین مجاهدین جان برکفی که بدستور رجوی خود سوزی نیز میکنند!

مواضع ما :

1. مبارزه ما با رژیم ایران با رد هرگونه خشونت و تروریسم بر پایه حمایت از حرکت‌های آزادیخواهانه و دموکراتیک مردمی استوار است.

2. ما خود را همان مجاهدینی که مردم ایران و جهان چه در اشرف چه در لیبرتی و... شاهدش هستند و سرتا پا فدا و گذشت برای مردم و میهنمان می باشند می دانیم و ضمن مبارزه دمکراتیک و با حمایت از مبارزات مردم ایران که طی سالهای اخیر جهان شاهد آن بوده اجازه نخواهیم داد که کشورمان دوباره بدست دژخیم مرتجعی دیگر گرفتار شود.

3. فرقه آقای مسعود رجوی و خانم مریم رجوی را با آنچه بعنوان مشتی از خروار ذکرش رفت بعنوان خطرناکترین و وحشی ترین نیروهای ضد دمکراتیک که به قدرت نرسیده اش را در داعش روزانه شاهد هستیم بعنوان دشمن بالقوه مردم ایران و منطقه میدانیم.

4. سیاست ما در قبال فرقه رجوی بر افشای تمامی سیاستهای تروریستی، ناجوانمردانه و خیانتکارانه او مبنی بر سوء استفاده از مجاهدین در بند در لیبرتی بمنظور بهره بردای سیاسی از کشتار و شکنجه روحی روانی و محاصره توسط عوامل خارجی و از جمله عوامل رجوی بمنظور خرابکاری در روند خروج مجاهدین از تله ای که آقای رجوی آنها را در آن گرفتار نموده است، متکی بوده و می باشد.

5. ما سیاست سرکوب مخالفین چه مجاهد چه غیر مجاهد را که علیه مصالح مردم ایران است محکوم می کنیم و آنرا بغایت در محتوا افشا و رسوا کرده و خواهیم کرد.
6. ما سیاست مداخله در امور داخلی عراق توسط آقای رجوی که تنها نتیجه آن حمله و هجوم نیروهای عراقی و کشتار برادران و خواهران مجاهدان در اشرف و لیبرتی است را بشدت محکوم میکنیم.
7. ما هرگونه حمله و هجوم به لیبرتی و سابقا بر اشرف را محکوم می کنیم و آنرا همسویی عملی عوامل عراقی رژیم و آقای رجوی در جهت هدف مشترکشان یعنی نابودی مجاهدین لیبرتی می دانیم. مردم ایران و جهان شاهد هستند که هر مجاهدی که از لیبرتی خارج میشود ناقوس مرگ فرقه رجوی را به صدا در می آورد و به همین علت است که رهبری سازمان مجاهدین اصرار بر نگهداری افراد سازمان در کشور جنگ زده و بحران زده عراق تا مرگ آخرین نفر دارد اصراری که در پیام اخیر شخص آقای رجوی آشکارا و به صراحت اعلام گردید.
8. لذا ما از دولت جدید عراق و همه کشورهای آزاد جهان و کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و یونامی می خواهیم که برای انتقال ساکنان زندان لیبرتی از عراق به کشورهای ثالث و باز اسکان آنان به عنوان پناهنده با اولویت قرار دادن بیماران و زخمی ها و با توجه به اینکه بسیاری از آنان سالها قبل دارای حق پناهندگی و اقامت در اروپا و آمریکا بوده اند تلاش کرده و اقدامات مقتضی به عمل بیاورند.
9. ما سیاست همکاری آقای مسعود رجوی و خانم مریم رجوی با سیستمهای اطلاعاتی و امنیتی قدرتهای بزرگ بویژه خرید سیاستمداران از دور خارج شده با هزینه های گزاف و به منظور تداوم حاکمیت به سرقت رفته در رهبری مجاهدین را محکوم میکنیم.
10. ما اعضای قدیمی سازمان مجاهدین خلق ایران با این اعتقاد که مجاهدین حاضر در تله لیبرتی با بیش از سی سال تحمل شرایط عراق و انواع کشتارها و بمباران استواری و اصالت خود را به اثبات رسانده اند، خواهان برداشتن محاصره ضد انسانی لیبرتی و توقف قطع ارتباط ساکنان آن با خانواده هایشان و با دنیای بیرون توسط آقای رجوی هستیم تا افراد مجاهدین بتوانند با خانواده هایشان و با دنیای بیرون ارتباط برقرار کنند و ما این اقدام را در جهت منافع عالیه مردم ایران و وصل شدن عنصر مجاهد به پایه مردمی خود میدانیم.
11. ما سیاستهای آقای رجوی و خانم مریم رجوی مبنی بر وسیله و برگ قرار دادن مجاهدین در دست سیاستها و قدرتهای جهانی و منطقه ای را محکوم میکنیم. آقای رجوی بعد از شکست همه سیاستهایش و قطع کامل از مردم ایران، تلاش می کند تا با همسو نشان دادن خود با این سیاستها و قدرتها و وسیله شدن در دست آنان بقدرت برسد و سپس با تکیه بر منابع مردم ایران خطرناکترین و مخربترین حاکمیتها را بوجود بیاورد. این سیاست اعلام شده آقای رجویست که در پیام سراسر تهدید و خشونت اخیرش به مجاهدین لیبرتی نیز آشکارا آن را تکرار کرده است.

12. مریم رجوی دستور خودسوزی گروهی از افراد خودش را در سال 2003 در اعتراض به دستگیری او توسط پلیس فرانسه صادر کرد و آنها طی یک عملیات وحشیانه این کار را جلوی چشمان وحشت زده مردم فرانسه انجام دادند و طی آن دو زن کشته و دهها تن دیگر زخمی و برای همیشه معلول شدند. وی در یک قرارگاه سازمان مجاهدین واقع در خاک فرانسه که یک پایگاه فرقه‌ای دگم و بسته و ضد دموکراتیک در قلب دموکراسی اروپا است ساکن شده و از آنجا اعمال و فعالیت‌های فرقه‌ای را در کل اروپا و آمریکا سازماندهی و اداره می‌کند که این امر توهین به مردم فرانسه و آرمانهای آزادی و دموکراسی اروپا می‌باشد. وی در همین مقر از سوی رهبری سازمان دستور قتل جدا شدگان و مخالفان را دریافت می‌کند و احتمال انجام عملیات تروریستی علیه جدا شدگان و مخالفان سازمان توسط این فرقه در کل اروپا و آمریکا وجود دارد. مقر آنان در یک مقر سکت مثل اشرف و لیبرتی است و افراد اورسوراواز هم حق ازدواج و ارتباط با خانواده و دنیای بیرون ندارند و همه کارهایشان فقط به دستور رهبری سازمان و مشخصاً مریم رجوی است و هیچگونه انتخاباتی در داخل این سازمان حتی در فرانسه نیز وجود ندارد و رهبری آن مادام‌العمر و مقدس می‌باشد. لذا وجود این قرارگاه در فرانسه چهره دموکراسی اروپا را خدشه دار می‌کند.
